

رقص خاکریز

نگاهی تحلیلی تاریخی بر عملیات رمضان
و نقش رزمندگان استان همدان

www.ketab.ir

- سرشناسه : صیفی کار، محسن، ۱۳۴۶ -، گردآورنده
- عنوان و نام پدیدآور : رقص خاکریز : نگاهی تحلیلی تاریخی بر عملیات رمضان و نقش رزمندگان استان همدان/ تدوین محسن صیفی کار.
- مشخصات نشر : همدان: چنار، ۱۳۹۷.
- مشخصات ظاهری : ۱۷۹ ص.: مصور.؛ ۱۴/۵×۱۱/۵ س.م.
- شابک : ۹۷۸-۶۰-۷۲۰۳-۵۱-۴ : ۱۵۰۰۰ ریال
- وضعیت فهرست نویسی : فیبا
- یادداشت : کتابنامه.
- عنوان دیگر : نگاهی تحلیلی تاریخی بر عملیات رمضان و نقش رزمندگان استان همدان.
- موضوع : جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷ -- عملیات رمضان
- موضوع : Iran-Iraq War, 1980-1988 -- Operation Ramadan
- موضوع : ایثارگران جنگ -- ایران -- همدان
- موضوع : War participants -- Iran -- Hamadan*
- رده بندی کنگره : ۱۳۹۷ ص ۹ / ۱۶۰۷ DSR
- رده بندی دیویی : ۹۵۵/۰۸۴۳
- شماره کتابشناسی ملی : ۵۲۶۷۱۳۹

رقص خاکریز



محسن صیفی کار

چنار

چنار

سایان

کیلک

اول- ۱۳۹۷

۹۷۸-۶۰۰-۷۲۰۳-۵۱-۴

۱۰۰۰ نسخه

۱۵۰۰۰ تومان

مؤلف:

ناشر:

چاپ و صحافی:

لیتوگرافی:

حروف چینی و صفحه آرائی:

نوبت چاپ:

شابک:

شمارگان:

قیمت:

همه حقوق برای ناشر و مؤلف محفوظ است.

فهرست

۱۳	مقدمه:
	فصل اول: عبور از مرز
۲۳	شرق بصره
۲۸	آخرین جلسه عملیات
۲۹	فردا دیراست
	فصل دوم: راه قدس از کربلا می گذرد
۳۷	جغرافیای منطقه
۳۷	اهداف
۳۸	ضرورت عملیات از نگاهی دیگر
۳۹	بصره
۳۹	موانع مصنوعی
۴۰	راهبرد سیاسی
۴۱	مراحل عملیات
	فصل سوم: قرارگاه های نبرد
۴۷	قرارگاه های نبرد
۵۰	قرارگاه قدس
	فصل چهارم: سه گردان ما
۵۹	سه گردان ما
	فصل پنجم: گردان خندق
۷۵	گردان خندق
۷۹	رقص خاکریز
۸۳	سنگر شهادت
۸۷	شرح فراق
	فصل ششم: تا مرحله پنجم
۹۳	مرحله سوم

۹۵	 غافل‌گیری و سرعت
۹۶	 نتایج و غنائیم
۹۶	 یگان‌های منهدم‌شده دشمن
۹۷	 دشمن زخمی!
۹۷	 دستاوردهای سیاسی
۹۹	 شورای امنیت و عملیات رمضان
۹۹	 پاسخ به یک سنوال
۱۰۲	 تغییر تاکتیک

فصل هفتم: رمضان در خون

فصل هشتم: پیوست‌ها

www.ketab.ir

برای مقدمه:

«زید» بیابانی است در جنوب دشت کوشک، غرب جاده اهواز-خرمشهر و شمال شلمچه. کم باران است و گرم. تابستان‌هایش داغ است، اما نهرهایی دارد که منطقه را پرآب کرده است. عراقی‌ها، کانال‌های زیادی در منطقه کنده بودند و با آن‌ها، آب را هر کجا می‌خواستند می‌بردند. آب‌گرفتگی‌ها، که آن‌ها را با پمپاژ آب درست می‌کردند، از مهم‌ترین موانع منطقه بود. تیرماه سال ۶۱ زید شاهد روزهای سختی بود. روزهای سخت جنگ. مثلثی‌ها خاکریزهای بزرگی بودند که ضلع بزرگ‌شان روبه‌روی ایران؛ ۲۲۵۰ متر و ساق‌های‌شان ۱۹۰۰ متر. در هر مثلث سه مثلث دیگر بود و وسط هر یک از آن مثلث‌ها، سه مثلث کوچک‌تر، جمعاً ۹ مثلث. عراقی‌ها این خاکریزها را پیش از عملیات الی بیت‌المقدس در منطقه زید ساختند تا از بصره حفاظت کنند.*

این‌ها را نوشتیم تا بدانیم، رمضان عملیات داغی بود که در تابستان انجام شد، در گرمایی بالاتر از ۵۰ درجه و در مصاف با کانال پرورش ماهی با ۳۰ کیلومتر طول و یک کیلومتر عرض با انبوهی بی‌شمار از میادین رنگارنگ مین و با انبوه نیروهای پیاده و زرهی قدرتمند سپاه سوم ارتش عراق.

نیروهای دلاور استان همدان وقتی با «ئارالله» دست دادند تا آخرین قطره خون ایستادند، به خاکریزها چسبیدند جان دادند ولی ایستادند، ولی مانند این مقاومت تکلیفی عاشورایی، حماسه بزرگی بود که فرزندان این خطه خلق کردند. هر چند این اولین و آخرین حماسه نبود. سه گردان «نصر»، «فتح» و «خندق» ثلاث مقدسی شدند که اکنون فصل بزرگی در تاریخ دفاع مقدس استان‌اند.

هرچند رمضان به همه اهداف زمینی اش نرسید اما اولاً؛ حماسه ماندگاری شد و ثانیاً؛ عملیات انهدام دشمن شد.

محسن رضایی در جمع فرماندهان در پایان نبرد رمضان گفت:

«در این عملیات ۷۰ درصد تاکتیک مان انهدام نیرو است و ۳۰ درصد زمین است. البته اگر بتوانیم زمین بگیریم و بمانیم، برای مان خوب است. خیلی هم خوب است، اما هدف اصلی زمین نیست ولو آن قدر هم خوب باشد. هدف اصلی ما انهدام نیرو است. ما تا الآن توانسته ایم با توکل به خدا، لشکر ۳، ۹ و ۵ [دشمن] را از صحنه به طور کلی خارج کنیم. از تیپ ۵۰ زرهی لشکر ۱۱ فقط یک فرمانده تیپ ماند! ده افسر و چهل درجه دار از تیپ ۴۲ زرهی که از فتح السبین فرار کرده بودند، این بار به دست برادران افتادند.

ساعت ۲ الی ۳ نیمه شب فرمانده چند لشکر عراقی به یکی از فرماندهان می گفت: «مقاومت کن! برای نیرو می فرستیم.» طرف گریه می کرد و می گفت: «معلوم می شود صدايت از جای گرم در می آید، من از ۱۳۰ تانک و نفربر، ۸ تانک بیشتر برابم نمانده است! من چه مقاومتی کنم؟»

عملیات، برادران! غافل گیرانه و ضربتی بود. با این که دشمن در ما رخنه داشت و نیروی سمت چپ و راست مان نتوانسته بودند به هم الحاق کنند. دشمن به راحتی می توانست ما را دور بزند، اینها این قدر زبون و ذلیل شده بودند که توی تانک ها می لرزیدند و وحشت داشتند و هرچه به شان دستور داده می شد، صریحاً فرمان فرماندهان را رد می کردند و می گفتند:

«ای کاش می آمدید این جا و صحنه را می دیدید. شما زیر کولر نشسته اید و به ما دستور می دهید، ما قبول نداریم!» ای کاش این گریه فرماندهان تیپ را می آوردم این جا و برادران گوش می کردند و می دیدند.^۱

برگزاری مراسم بزرگداشت سی و ششمین سالگرد نبرد رمضان و شهادت و جانبازی بسیاری از رزمندگان استان همدان به ویژه سرداران بزرگ علی رضا حاجی بابایی، حبیب اله مظاهری، محمد دلاوری، محمود نیکومظری و عبدالحمید مومنی بهانه ای شد تا نگاهی اجمالی و -عجله ای- به آن واقعه عاشورایی بیندازیم.

حقیقت آن است که نقش استان در نبرد رمضان وسعتی در حد یک کتاب بزرگ را می‌طلبد، اما چه بگوییم که با همه تلاش‌های برادران عزیز، «دست ما کوتاه است و خرما بر نخیل!»

در پایان از استانداری محترم همدان و همه سروران ارجمند، در بنیاد شهید همدانی به ویژه برادر عزیزم، حاج جعفر مظاهری که این فرصت معنوی را برای این کم‌ترین فراهم آوردند، صمیمانه متشکرم.

همدان - خرداد ۱۳۹۷ / ۲۹ رمضان المبارک ۱۴۳۹

محسن صیفی‌کار

www.ketab.ir